

نگاهی به ادبیات مسیحیان ایرانی به پهلوی ساسانی؛ مطالعه موردی: کتیبه لوح مسی پهلوی ساسانی در کیلون هند*

سیروس نصراله‌زاده^۱

چکیده

مقاله حاضر در خصوص یکی از کتیبه‌های خصوصی به خط و زبان پهلوی ساسانی در هند است. کتیبه‌های دوره ساسانی به دو گروه قابل تقسیم‌اند. یکی کتیبه‌های سلطنتی و بزرگان به الفبای کتیبه‌ای یا منفصل که بیشتر مربوط به نیمه نخست شاهنشاهی ساسانی هستند و گروه دیگر کتیبه‌های خصوصی، مزارنوشته و وقفی و یادگارنوشته، که به خط پهلوی ساسانی متصل نوشته شده‌اند و مربوط به اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی در ایران هستند. اهمیت این کتیبه در مقاله حاضر در این است که متعلق به مسیحیان ایرانی است که به جهت فعالیت‌های اقتصادی و تجاری به جنوب هند رفته‌اند. به واقع، اینان نخستین مهاجران ایرانی به هند قبل از مهاجرت زردشتیان هستند. اهمیت دیگر این کتیبه سه‌زبانه بودن آن است و نشان می‌دهد که اجتماعات زردشتی، مسیحی، یهودی و مسلمان نیز در جنوب هند و در شهر کولم با هم می‌زیسته‌اند. این کتیبه، سند وقف زمینی به مسیحیان ایرانی از سوی شاه هندی این منطقه است که مربوط به حدود آغاز قرن نهم میلادی است. واژه‌های کلیدی: کتیبه، پهلوی ساسانی، هند، مسیحیت نستوری، کلیسای شرق، لوح مسی کیلون، کوفی، فارس‌یهودی.

A Survey of the Iranian Christians' Literature in the Sasanian Pahlavi Language (Case-Study: The Sasanian Pahlavi Inscription on a Copper Plate in Quilon, India)

Cyrus Nasrollahzadeh²

Abstract

The present paper focuses on one of the private inscriptions dating back to the post-Sassanid period in India. The Sassanid inscriptions can be divided into two groups: 1) royal and nobles' inscriptions in inscriptional Pahlavi (lapidary script) that mostly date back to the first half of the Sassanid kingship and 2) private inscriptions, gravestone inscriptions and Waghf (grant) inscriptions as well as memoirs that have been written in book Pahlavi (cursive script) in which letters are joined to each other. They back to the ending years of the Sassanid dynasty and early centuries of Iran. The inscription is of importance as it belongs to the Iranian Christians who moved to the south of India for commercial purposes. In fact, they were the first Iranian immigrants in India prior to the Zoroastrians. Another significant point is that it has been written in three languages. This proves that that Zoroastrian and Muslim communities co-existed in the south of India as in Kollam (Quilon). This inscription reports on the endowment (gift) of a plot of land to the Iranian Christians by the regional Indian king dating back to the 9th century A.D.

Keywords: Inscription, Sasanian Pahlavi, India, Nestorian Christians, Church of the East, Copper-Plate of Quillon, Kufic, Judæo-Persian.

۱. دانشیار پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی * تاریخ دریافت ۹۴/۹/۸ تاریخ پذیرش ۹۴/۱۱/۲۵

2. Associate Professor, Department of Ancient Iranian Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies, cyrusnasr@gmail.com

مقدمه

بخشی از ادبیات فارسی میانه ساسانی اختصاص به ایرانیان مسیحی در ایران، آسیای میانه و ترکستان چین و هند دارد. در میان زبان‌های ایرانی میانه دو زبان مشتمل بر ادبیات مسیحی هستند؛ یکی فارسی میانه ساسانی که شاخه غربی زبان‌های ایرانی میانه است و دیگری سغدی مسیحی از شاخه شرقی. هدف این مقاله، بررسی ادبیات مسیحی در فارسی میانه ساسانی و معرفی یک نمونه از این نوع ادبی است؛ اما پیش از آغاز این مبحث اشارتی گذرا در خصوص زبان سغدی مسیحی ضروری می‌نماید. از مجموعه متون بازمانده سغدی، متون سغدی مسیحی مرتبط با جامعه مسیحیان ایرانی است. این متن‌های سغدی مسیحی در خصوص حضور مسیحیان نستوری در آسیای میانه به خصوص در مرو، هرات و سغد است. مجموعه متن‌های سغدی مسیحی غالباً ترجمه متون سریانی است که در آن واژگان سریانی، به خصوص واژگان فنی، و گاه نیز نحو سریانی، وارد شده است. مسیحیان در سغد از خط سترنجیلی سریانی، با اضافاتی، استفاده کردند که نه املای تاریخی داشت و نه هزوارش و نیز در نشان دادن دقیق مصوت به خصوص مصوت کوتاه و تمایز دو حرف θ و δ در الفبا نسبت به متون سغدی مانوی برتری داشت. همان‌گونه که کلیساهای مسیحی ایران و ماوراءالنهر انشعابات کلیسای سریانی زبان میان‌رودان هستند، به همین‌گونه ادبیات مسیحی ایرانی میانه شاخه‌ای از ادبیات سریانی است.^۳ متون مسیحی به زبان‌های ایرانی میانه شاهدهی هستند بر حضور و ماهیت بعضی جوامع مسیحی که در نبود این منابع ممکن بود به کلی ناشناخته بمانند و نیز چون اصل سریانی بسیاری از آنها گم شده است و تنها ترجمه سغدی آنها باقی مانده دارای اهمیت تاریخی هستند.^۴ تنوع دست‌نوشته‌های کشف‌شده از تورفان نشان از توسعه کلیسای مسیحی در ماوراءالنهر و آسیای میانه دارد. چون نستوریان از کلیسای ایرانی شرق می‌آیند این احتمال وجود دارد که اجتماعات مسیحی در آغاز، ادعیه و آثار خود را به سریانی و فارسی میانه می‌نوشتند و به تدریج زبان‌های محلی، نخست سغدی و سپس فارسی نو، جای آن را گرفت.^۵ از

۳. نیکلاس سیمز ویلیامز، «ادبیات مسیحی در زبان‌های ایرانی میانه» ترجمه نغین صالحی‌نیا، *ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش رونالد امریک و ماریا ماتسوخ، ترجمه فارسی زیر نظر ژاله آموزگار، در مجموعه تاریخ ادبیات فارسی، زیر نظر دکتر احسان یارشاطر، جلد هفدهم (پیوست ۱)، (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۹)، ص. ۳۰۷ و نیز

Nicholas Sims-Williams, "Christianity: iv. Christian Literature in Middle Iranian Languages", in *Encyclopedia Iranica*, vol. V, fasc. 5, (Costa Mesa, California: Mazda, 1991), pp. 334-35, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/christianity-iv>.

4. Ibid p. 330.

5. Nicholas Sims-Williams, "Bible. v. Sogdian Translations of the Bible", in *Encyclopedia Iranica*, Vol. IV, fasc. 2, p. 207, (Costa Mesa, California: Mazda, 1989), available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-v>.

ویژگی‌های خاص فعالیت تبلیغی کلیسای نستوری این بود که همیشه زبان اصلی مراسم نیایش به زبان سریانی بود و زبان‌های بومی تنها برای بخش‌های خاصی از مراسم مانند سرودها، مزامیر و روخوانی کتاب مقدس به کار می‌رفت.^۶

زبور به فارسی میانه

مسیحیت نستوری در ایران

سریانیان در اولین مواجهه خود با مسیحیت، از صورت مسیحیت یهودی اولیه تأثیر گرفته بودند. نویسندگان بزرگ متقدم سریانی یعنی افراهات/ فرهاد^۷ و افرم^۸ در قرن چهارم، صورت سامی - یهودی از مسیحیت را معرفی می‌کنند و هنوز تماسی با فرهنگ یونانی را نشان نمی‌دهند. از این رو، آنچه که این دو گفته‌اند کاملاً متفاوت با مسیحیت یونانی شده و لاتین‌زبانان مدیترانه است. از قرن پنجم به بعد بود که کلیسای سریانی زبان به سرعت متأثر از فرهنگ یونانی و یونانی‌مآبی شد.^۹ ادبیات سریانی ارتباط نزدیکی با تاریخ کلیسایش دارد. تنوع نام برای کلیساهای سریانی همراه با بدفهمی درباره الهیات آنها شده است. دو کلیسای سریانی در این تحول شکل گرفته است: یکی کلیسای سریانی ارتدکس یا سریانی غربی شامل منوفیزیت‌ها و یعقوبیان و دیگری کلیسای شرقی یا کلیسای مسیحی ایرانی، امروزه معروف به کلیسای سریانی شرقی/ کلدانی، یا سریانی شرقی شامل نستوریان و آسوریان. نام‌های نستوری و منوفیزیت لقب‌های ملعنت‌اند که به سبب بدعتشان به آنها داده شده است. به سبب تفاسیر مختلف کلامی در ماهیت عیسی مسیح انشعابات مختلفی در کلیسای مسیحی رخ داد که سه کلیسای اصلی قابل اشاره است: کلیسای ارتدکس کالسدون، کلیسای نستوریان و کلیسای یعقوبی یا منوفیزیت‌ها. دو مورد آخری مربوط به کلیسای شرقی است. آغاز این جدایی به تفسیرهای دینی مختلفی درباره ماهیت عیسی مسیح در قرن پنجم میلادی بازمی‌گردد و رای دو شورای کلیسا که آنها را بدعت‌آمیز دانسته بود. شورای افسوس در سال ۴۳۱ میلادی برای نستوریان و شورای کالسدون در سال ۴۵۱ میلادی برای منوفیزیت‌ها. اصطلاح منوفیزیت^{۱۰} (تک‌ماهیتی) به جای منوفیزیت برای کلیسای ارتدکس شرقی در برابر اصطلاح

۶ سیمز - ویلیامز، ص ۳۲۰.

7. Aphrahat

8. Ephrem

9. Sebastian Brock, "An Introduction to Syriac Studies", (2006), available online at: http://www.tertullian.org/rpearce/oriental/Brock_Introduction.pdf

10. Henophysite

کلیساهای دایوفیزیت^{۱۱} (دو ماهیتی که شورای کالسدون پذیرفت) مناسب‌تر است.

نستوریان:

ظهور نستوریوس و پذیرش عقاید او در کلیسای شرق اتفاقی مهم برای مسیحیت ایرانی بود. نستوریوس از پدر و مادری ایرانی زاده شده بود. او در سال ۴۲۸ م. بطریق قسطنطنیه شد. وی در شورای دینی به سال ۴۳۱ م. در افسوس محکوم به تبعید شد و همانجا درگذشت. نویسندگان اروپایی به گونه تخیف‌گرایی این کلیسا را نستوری می‌خوانند. کلیسای شرق یا نستوری به تمایز قاطع میان ماهیت الهی و انسانی مسیح قائل بود؛ این عقیده منتج بدین نظر هم شد که اعتقادی به «بارداری خدا» از سوی مریم^{۱۲} نداشتند و فقط «باردار عیسی مسیح»^{۱۳} را پذیرفته بودند؛ که مشهور به دایوفیزیت هستند. واقع این است که در کنار متاله بزرگ این کلیسا مثل بابای (وفات: ۶۲۸ م.) منبع عمده الهام کلامی کلیسای سریانی شرق، نوشته‌های یونانی تئودور مپسوستیایی^{۱۴}، وفات ۴۲۸ م، است و نه صرفاً نستوریوس^{۱۵} در برابر عقیده نستوریوس، کوریل اهل اسکندریه بود که معتقد به وحدت این دو جنبه بود که در هنگام تولد یکی شده‌اند؛ او را پدر منوفیزیت‌ها می‌دانند. اهل ادسا دیدگاه منوفیزیت‌ها را پذیرفتند. اکثریت آنها در مصر بودند. اینان نیز همچون نستوریان در شورای مسیحی چهارم یعنی شورای کالسدون در سال ۴۵۱ م. عقایدشان پذیرفته نشد و به کلیسای ارتدکس شرقی پیوستند. یک فرقه اینان یعنی یعقوبیه، نام فرقه یعقوبی از نام موسس آن یعقوب بارادوسی^{۱۶} که کلیسای ارتدکس سریانی را تجدید سازمان کرد، گرفته شده است؛ و امپراتور ژوستینیان^{۱۷} آنها را سرکوب کرده بود. مسیحیان یعقوبی رقیب مسیحیان نستوری در ایران شدند؛ اینان در زمان خسرو اول اجازه فعالیت یافتند و در تکریت مقام اسقفی تأسیس کردند. این رقابت به حیره و غسان هم کشیده شد و غسانیان یعقوبی شدند و اهل حیره نستوری. با تصرف ادسا از سوی خسرو پرویز در سال ۶۰۹ م. شماری از رهبران منوفیزیت‌های یعقوبی به ایران کوچ داده شدند. در این زمان یعقوبیان قدرت بیشتری یافتند چرا که شیرین، زن خسرو یعقوبی بود و نیز متأثر از حضور پزشک دربار یعنی گبرائیل. از این زمان به بعد، کلیسای سریانی، سه کلیسای مجزای از هم شد:

-
11. Dyophysite
 12. Theotokos
 13. Christokos
 14. Mapsuestia
 15. Ibid pp. 1- 31.
 16. Jacob Baradeaus
 17. Justinian

کلیسای نستوریان، کلیسای یعقوبی / منوفیزیت‌ها و کلیسای ارتدکسی کالسدونی.

نخستین مواجهه ایرانیان با دین مسیحیت حضور سه مغ در تولد مسیح بود که مربوط به دوره اشکانیان است و مطابق نظر هرتسفلد از کوه خواجه در سیستان رفته بودند. با گسترش مسیحیت به شرق از حدود ۱۰۰ میلادی در دوره اشکانی^{۱۸}، دو منطقه، مرکز مهم مسیحیت شرق شد: یکی آدیابنه با مرکزیت آرپلا/ اربیل و دیگری اسروئنه^{۱۹} با مرکزیت ادسا؛ خاستگاه اصلی گروندگان به مسیحیت میان‌رودان شمالی شامل سریانی‌زبانان آدیابنه و اسروئنه بود که باعث شد زبان دینی مسیحیت ایرانی، سریانی بشود. متأسفانه شواهد از دوره اشکانی بسیار اندک است. محققان برآند که تسامح حکومتی اشکانیان زمینه گسترش مسیحیت را در میان‌رودان فراهم کرد. تا زمان برآمدن ساسانیان حدود بیست اسقف‌نشین مسیحی در میان‌رودان تا خوزستان، نیز در کاشان و ماد و پارس و پارت، گزارش شده است. با پیروزی شاپور اول بر روم و کوچ‌دادن اسرای رومی به فارس، خوزستان، پارت و اسورستان، ناخودآگاه سبب توسعه مسیحیت در ایران نیز شد. این فرایند کوچ باعث شد به تدریج در ایران و در شهر ریو اردشیر دو کلیسای سریانی‌زبان و یونانی‌زبان به وجود آید و هیچ‌کدام هم تابع دیگری نبود و در کشمکش بودند. از مراکز مهم اجتماع مسیحیان ایرانی، نخست نصیبین بود و سپس با توسعه تدریجی گندی‌شاپور (به سریانی بیت‌لاپات) که شاپور اول برای اسرا ساخته بود و به مرکز علمی مهمی تبدیل شد. گفتنی است که سیاست ساسانیان نسبت به مسیحیان تابعی از سیاست خارجی و مسائل داخلی بود؛ به ویژه با رسمی شدن دین مسیحیت در بیزانس در عهد کنستانتین، توجه به مسیحیت در ایران بیشتر شد و آنها را به عنوان حامیان روم شرقی تصور کردند که منابع مسیحی سریانی نیز اشارتی بدان دارند و گاه با وقاحت و گستاخی این مسیحیان نسبت به دین زردشتی و شاهنشاه مواجه‌ایم که در سخت‌گیری نسبت به آنها نیز مؤثر بود. در آغاز نصیبین مرکز مسیحیت سریانی و ایرانیان مسیحی بود. بعد از محاصره نصیبین در سال ۳۶۳ م. توسط شاپور دوم، افرائیم^{۲۰} شاعر و متاله مسیحی از راه آمد به ادسا رفت. او در ادسا مدرسه الهیات تأسیس کرد که به نام مدرسه «پارسیان» مشهور است. از این جهت بدین نام مشهور شد که اکثریت این مدرسه را طلاب و استادان ایرانی تشکیل داده بودند. کلیسای سریانی‌زبان ادسا،

۱۸. در زمان انتقال حکومت به ساسانیان، حدود ۲۰ اسقف‌نشین در جنوب ایران فعالیت می‌کردند و در زمان بلاش اول برای مسیحیان این منطقه ناحیه‌ای امن و پربرکت بوده است (ی. پ. آسموسن، «مسیحیان در ایران»، تاریخ ایران کمبریج، جلد سوم قسمت دوم، از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷)، صص ۳۶۵-۳۹۵).

19. Osrhoene

20. Ephraim

در زمان مار ماری، توانست راه خود را از کلیسای غرب یونانی زبان جدا کند و به استقلال برسد و کلیسای شرق نامیده شد. انجیل خاص این کلیسا دیاتسارون (به معنای از چهار، یعنی آمیزه‌ای از چهار انجیل متی، لوقا، مرقس و یوحنا) نام داشت که به فارسی هم ترجمه شده است. انجیل دیگر کلیسای شرق، پشیطتا^{۲۱} (به معنای «ساده، سراسر» و منظور نسخه معیار کتاب مقدس به زبان سریانی است) نام دارد که هنوز در میان مسیحیان آسوری رایج است. با پذیرش عقاید نستوریوس، تقابلهشان با منوفیزیت‌ها بیشتر شد و سرانجام با دستور زنون امپراتور روم در سال ۴۸۹ م. مبنی بر بسته‌شدن مدرسه ادسا، اینان به نصیبین آمدند. در آغاز قرن پنجم میلادی کلیسای ایران رسماً استقلال خود را از بطریقی انطاکیه اعلام کرد. این جدایی در مجموعه‌ای از شوراها کلیسایی در دهه ۴۸۰ میلادی قطعی شد و کلیسای ایرانی رسماً مسیح‌شناسی نستوری را برگزید. در سال ۴۲۴ م.، در شورای سوم در تیسفون، دادیشوع اسقف شرق، توانست در زمان بهرام پنجم انجمنی تشکیل دهد و زمینه تأسیس کلیسای ملی و مستقل ایرانی را فراهم کند. با حمایت پیروز، برصوما اسقف نواحی غربی ایران شد و او توانست کیش مسیحیان ایران را نستوری کند و با کلیسای غرب قطع ارتباط کند. سرانجام در سال ۴۸۴ م. به کوشش برصوما^{۲۲} در گندی‌شاپور اصول اعتقادی نستوری رسماً پذیرفته شد. در این استقلال نقش مسیحیان ایرانی که در محیط زردشتی رشد کرده بودند مهم بود؛ و مذهب نستوری در جوار دین زردشتی، دین ثانویه ایرانیان شد (وینتر/دیگناس ۱۳۸۶: ۲۵). مسیحیان نستوری در شرق ایران فعالیت‌های تبلیغی بسیاری داشتند. به گونه‌ای که، در آسیای میانه، دریای چین، جنوب هند، تبت و مغولستان توانستند مسیحیت را توسعه دهند. کلیسای نستوری پارسی مسئول هیات‌های تبلیغی به ماوراءالنهر و اطراف آن بود. دو شاخه دیگر کلیسای سریانی یعنی ملکائیان و یعقوبیان منوفیزیت نقش کمتری در گسترش مسیحیت در آسیای مرکزی داشتند. ملکائیان که تحت فرمان بطریق انطاکیه و یونانی‌زبان بودند از سال ۷۶۲ م. در ماوراءالنهر (ورارود/وزررود) حضور داشتند. در سال ۷۶۲ م. منصور خلیفه عباسی بغداد را بنیاد نهاد و ملکائیان تیسفون را به چاچ/تاشکند انتقال داد. بیرونی از حضور این فرقه مسیحی در مرو و بلخ گزارش داده است. شواهد از حضور فرقه یعقوبی در شی‌آن، هرات، سیستان، یارکند و شمال شرقی ترکستان در قرن هفتم میلادی گزارش شده است. آغاز فعالیت نستوریان در آسیای میانه احتمالاً نخست در مرو بوده است. از داستان برشعباء این احتمال داده شده است که اسقف نستوری مرو، ابرشهر،

21. Pešitā

۲۲. برصوما اسقف نصیبین که بسیار وفادار به ایرانیان بود و در سال ۴۸۶ م. درگذشت.

توس، هرات و سیستان حداقل تا سال ۲۴۲ م. ایجاد شده باشد. در هرات و سیستان از آغاز قرن ۵ م. مقام اسقفی ایجاد شده بود و تا پایان قرن ۷ م. به شمال غربی خوارزم رسیده بود چرا که استودان با صلیب از نستوریان در این منطقه یافته شده است. در گزارش ویلیام روبروک در قرن ۱۳ م. آمده که نستوریان خوارزم به زبان بومی خود ادعیه را تلاوت می‌کرده‌اند. در محوطه باستانی شین‌جیان^{۲۳} در ترکستان چین و در منطقه بولاییق، محوطه‌ای مربوط به نستوریان یافته شده که در آن یک قطعه زبور دو زبانه یونانی و سغدی، نامه‌ای سریانی به بزرگان بیزانس، یک صلیب با کتیبه یونانی از دوره مغول یافته شده است. در دوره اسلامی نامی از اسقف سمرقند آمده است. همچنین دو استودان با نشان صلیب نستوری در نزدیکی محوطه افراسیاب در خوارزم یافته شده که خود نشان از تداوم سنت تدفین زردشتی در میان برخی از مسیحیان این منطقه است. در ترکستان چین و در استان شین‌جیان هم قطعه‌ای از زبور یافته شده است (نک. ادامه). کتیبه سغدی در لَدَخ در غرب تبت که تصور می‌رود اثر مسیحیان نستوری سمرقند بوده که برای حاکم تبت فرستاده‌اند. دیگر شواهد مربوط به حضور مسیحیان در آسیای میانه عبارت‌اند از: آمدن وازگان سریانی در کتیبه سغدی در قرقیزیه (میان دریاچه بالخاش و اسیک‌کول)؛ گزارش روبروک در قرن ۱۳ میلادی از حضور نستوریان در جنوب دریاچه بالخاش و نیز حدود ۵۰۰ سنگ قبر با کتیبه‌های سریانی و ترکی مکشوفه از آنجا؛ گزارش مارکوپولو از حضور نستوریان در کاشغر و یارکند؛ اشاره گردیزی به حضور نستوریان در ختن و ذکر دو کلیسای نستوری در قرن ۵ میلادی و گزارش تذکره محمود کرم کابلی از حاکم نستوری ختن در قرن ۱۲ میلادی؛ حضور مبلغان نستوری در تبت و قبایل ترک آنجا در قرن ۱۴ میلادی؛ حضور نستوریان در شی‌آن ترکستان چین از سال ۶۳۵ م. به بعد که از کتیبه دو زبانه سغدی و سریانی به سال ۷۸۱ م. که در سال ۱۶۲۵ در شیان فو^{۲۴}، یافته است؛ و نیز کلیسای سریانی مالابار در جنوب هند که نتیجه فعالیت‌های نستوریان بود.^{۲۵}

23. Xinjiang

24. Sian-fu

۲۵. آسموسن، همان، صص ۳۶۵-۳۹۶؛ مسعود جلالی مقدم، «دین مسیحی در ایران باستان»، تاریخ جامع ایران، جلد ۴، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳)، صص ۷۲۵-۷۴۹؛ یوزف ویسهوفر، تاریخ ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۷۷)، صص ۲۴۷-۲۶۵؛ علیرضا شاپور شهبازی، تاریخ ساسانیان، ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹)، صص ۳۸۰-۳۸۲ و ۴۸۶-۴۸۷؛ آرتور کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ویراستار حسن رضایی‌باغبیدی، (تهران: صدای معاصر ۱۳۸۰)، صص. ۱۹۴، ۲۱۰-۲۱۵؛ سیمز ویلیامز، صص ۳۰۷-۳۱۶؛

Nicholas Sims-Williams, "Christianity: iv. Christian Literature in Middle Iranian Languages"

رابطه شاهان ساسانی با مسیحیان و تعقیب و آزار مسیحیان در این دوره بر سه^{۲۶} محور قابل تبیین است:

۱. سیاست ساسانیان بر علیه اسقفان و کشیشان که از دستورات شاپور دوم در دهه ۳۴۰ م.، به خصوص در پرداخت مالیات، سرپیچی می کردند.
۲. سیاست ساسانیان بر علیه راهبان و اسقفان که آتشکده‌های زردشتی را ویران کرده بودند و بر کار خود نیز اصرار داشتند.
۳. سیاست ساسانیان بر علیه اشراف ایرانی که از دین زردشتی به دین عیسوی می‌گرویدند.^{۲۷}

ترجمه کتاب مقدس به فارسی میانه

زبان سریانی گویش آرامی شرقی در شهر ادسا بود که مهم‌ترین گویش آرامی است که مسیحیان از آن استفاده کرده‌اند. سریانی، نخستین و اصلی‌ترین زبان مسیحیان شرقی است که در قلمرو شاهنشاهی ساسانی استفاده می‌شده است. ادبیات مکتوب سریانی متنوع‌ترین و مفصل‌ترین ادبیات مکتوب آرامی است که هم در بردارنده متون الهیاتی و کلامی است و هم متون غیردینی درباره تاریخ، فلسفه و پزشکی و علوم. سریانی‌ها نقش بسیار مهمی در ترجمه منابع یونانی، به خصوص فلسفه و پزشکی، از یونانی به سریانی و نیز به فارسی میانه و در دوره اسلامی به عربی داشته‌اند. در این میان مسیحیان نستوری دو زبانه که با ادبیات دین‌مزدایی به خوبی آشنا بودند، که از کتاب اعمال شهدای پارسی به خصوص داستان مار قرداق به خوبی هویدا است، نقش بسیار مهمی در این فرایند ترجمه داشتند.^{۲۸} از مراکز مهم گسترش دین نستوری و نیز نشر ادبیات سریانی در ایران مدرسه نصیبین بوده است. مسیحیان ایرانی عمدتاً متکی بر کتاب مقدس بودند. ترجمه به زبان و گویش‌های محلی ایرانی از کتاب مقدس را مسیحیان و یهودیان انجام می‌دادند. نقش یهودیان در ترجمه کتاب مقدس به گویش‌های مختلف یهودی ایران نیز بسیار مهم است. از ترجمه کتاب

۲۶. کلاً سه دوره تعقیب مسیحیت بر شمرده شده است: دوره اول مسیحی‌شدن کنستانتین؛ دوره دوم سال‌های آخر حکومت یزدگرد اول و بهرام پنجم و دوره سوم حکومت یزدگرد دوم و مسیحی‌شدن ارمنستان (Williams 1996: 40)؛ که هر دوره را باید براساس شرایط درونی و برون‌ی سیاست ساسانیان بررسی کرد.

27. Richard Payne, "The Rise of Christianity in Iran", *The Oriental Institute News & Notes*, *oiu.chicgo.edu*, 223, (Costa Mesa, California: Mazda, 2014), pp. 2-7, available online at https://www.academia.edu/8629536/The_Rise_of_Christianity_in_Iran.

28. Philippe Gignoux, "Syriac Language: iii. Syriac Translators as the Medium for Transmission of Greek Ideas to Sasanian Iran", in *Encyclopedia Iranica*, (Costa Mesa, California: Mazda, 2015), available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/syriac-language-03-translators-greek-ideas>.

عیشتر به زبان ایرانی در میان یهودیان ایرانی آگاهی داده شده است که در عید پوریم آن را می‌خواندند و به همین مناسبت به زبان‌های یونانی، قبطی، عیلامی یا مادی نیز ترجمه شده بود. این بدین معناست که کتاب عیشتر در ایران باستان به گویش‌های مختلف یهودیان ایران ترجمه شده است.^{۲۹} آغاز پیدایش ادبیات مسیحی به فارسی میانه با انزوای کلیسای ایرانی در قرن پنجم میلادی و استقلال از بطریق انطاکیه، آغاز شد. قدیمی‌ترین این آثار که از آن آگاهی وجود دارد به نیمه دوم قرن پنجم میلادی تعلق دارند. جاثلیق افاق^{۳۰}، وفات ۴۹۶ م، خلاصه‌ای از آموزه‌های مسیحی نوشته‌ی ایشه برقوزبایه^{۳۱} را از سریانی به فارسی ترجمه کرد تا به حضور قباد اول عرضه کند؛ نیز معنای شیرازی^{۳۲}، مطران ریو اردشیر، آثار متعددی را به فارسی میانه ترجمه و تحریر کرد. با تثبیت زبان سریانی به عنوان زبان انحصاری کلیسای شرق بیشتر آثار ادبی فارسی میانه مسیحی از میان رفت. شواهد نشان می‌دهد که در پایان قرن چهارم میلادی ترجمه فارسی انجیل یوحنا و یا بخش‌هایی از کتاب مقدس موجود بوده است. کهن‌ترین شواهد قبل از یافته‌شدن زبور پهلوی نقل قول از نویسندگان مسیحی است. جان کروسستم^{۳۳}، در قرن چهارم میلادی، اشاره دارد که تعالیم مسیح به زبان‌های ایرانی ترجمه شده است؛ در قرن پنجم میلادی، تئودورست^{۳۴}، اسقف کور^{۳۵} (به عربی حور؛ شهری در سوریه) گفته است که پارسیان به اناجیل به عنوان مکاشفه و الهام توجه دارند. هم‌چنین اشاره به ترجمه کتاب مقدس به زبان فارسی در کنار ترجمه‌های رومی، مصری، ارمنی، سکایی و سمرتی دارد^{۳۶}. تنها متن به زبان فارسی میانه موجود بخشی از کتاب مقدس به نام زبور (عربی: مزبور / مزامیر؛ عبری: میزمور) از نسخه سریانی پشیطنا است که به صورت قطعه‌قطعه، در ۱۲ صفحه پشت و رو (۹،۵ × ۱۱ سانتی‌متر)، به دست ما رسیده است. این قطعه در ترکستان چین (استان شین‌جیان امروزی) در بولاییق، نزدیک تورفان، یافته شده است و قدیمی‌ترین متن کتابی از ادبیات پهلوی ساسانی است که از نظر خط نزدیک به الفبای کتیبه‌ای است و کهن‌تر از

29. Shaul Shaked, "Bible. iv. Middle Persian Translations of the Bible", in *Encyclopedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-iv>, Vol. IV, fasc. 2, (Costa Mesa, California: Mazda, 1989), pp. 206-207.

30. Aqāq

31. Elishe bar Quzbāye

32. Ma'nā

33. John Chrysostom

34. Theodoret

35. Cyr

36. J. Kenneth Thomas, "Bible. iii. Chronology of Translations of the Bible", in *Encyclopedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-iii>, Vol. IV, fasc. 2, (Costa Mesa, California: Mazda, 1989), pp. 203-206.

الفبای کتابی است. خود دست‌نوشته نمی‌تواند کهن‌تر از قرن ۶ میلادی بوده باشد؛ از این رو، آن را حدود قرن ۶ و ۷ میلادی تاریخ‌گذاری کرده‌اند. اما به سبب مسائل خطی و خود ترجمه، قرن چهارم میلادی نیز تاریخ‌گذاری شده است؛ این تاریخ آخری نظر شروو است. دلایل وی مشابهت قواعد دستوری و خطی با کتیبه‌های ساسانی مثل تفاوت میان *g* و *γ* و حرف *h* متفاوت از است؛ الفبای زبور پهلوی ۱۸ حرف است که حرف *d* متفاوت از حرف *g* و *γ* و حرف *h* متفاوت از حرف «*ʔ*» و نیز حرف *w* از *n*؛ و حرف *š* صورت خاص خود را دارد. در زمان اختراع الفبای اوستایی از سه حرف زبور، حرف‌های *z* و *d* و *γ*، استفاده شد. صلیبی یافته‌شده در هرات مشابهت خطی بسیاری با زبور پهلوی، به خصوص در دو حرف *s* و *h*، دارد.^{۳۷} هم‌چنین در همین منطقه برگه‌ای یافت‌شده که دربردارندهٔ صرف افعال به فارسی میانه است که ممکن است اصل مسیحی داشته باشد. زبور پهلوی نشان می‌دهد که مسیحیان ترکستان چین مانند مسیحیان ایران از فارسی میانه در نیایش‌های خود استفاده می‌کردند.^{۳۸} از نظر گاهشماری تاریخی پس از زبور باید از ترجمه‌های اناجیل سغدی و نقل قول‌های موجود از شکندگمانیک یاد کرد. در استفاده از منابع سریانی دربارهٔ ایران باید توجه داشت که میان منابعی که از سریانی غربی یا یعقوبیان گرفته شده و آن‌هایی که از سریانی شرقی یا نستوریان گرفته شده، تمایز قائل شد.^{۳۹} روایت‌های ساسانی دیگری نیز از کتاب مقدس قابل تصور است؛ چرا که مؤلف شکندگمانیک در جدلیات خود با مسیحیت و یهودیت نقل قول‌هایی از کتاب مقدس آورده که نشان از وجود چنین ترجمه‌هایی باید باشد.^{۴۰} متون مقدس به فارسی نو (عهد عتیق یا تورات عهد جدید یا انجیل) نیز بسیار ترجمه شده است. قدیمی‌ترین ترجمهٔ موجود به زبان فارسی نو، به مانند زبور پهلوی، از بولاییق در نزدیکی تورفان به دست آمده است. این ترجمه نیز از زبور بوده که به صورت قطعات پشت و رو از یک ترجمهٔ دو زبانهٔ سریانی-فارسی

37. Philippe Gignoux, "Pahlavi Psalter", in *Encyclopedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/pahlavi-psalter>, (Costa Mesa, California: Mazda, 2002).

۳۸. سیمز - ویلیامز، ص ۳۰۸-۳۱۲ و

Nicholas Sims-Williams, "Christianity: iv. Christian Literature in Middle Iranian Languages".

39. Philippe Gignoux, "Syriac Language: ii. Syriac writings on pre-Islamic Iran" in *Encyclopedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/syriac-language-ii-syriac-writings-on-pre-islamic-iran>, (Costa Mesa, California: Mazda, 2009).

40. Shaul Shaked, "Bible. iv. Middle Persian Translations of the Bible",

هم‌چنین برای ترجمه‌های موسوم به کتاب مقدس به گویش فارسی‌یهودی، گویش یهودیان ایران، به طور خلاصه نک:

P. Jes Asmussen, "Bible vi. Judeo-Persian Translations of the Bible", in *Encyclopedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-vi>, Vol. IV, fasc. 2, pp. 208-209, (Costa Mesa, California: Mazda, 1989).

زبور است.^{۴۱} مهم‌ترین بقایای مادی از حضور مسیحیان در ایران بسیار اندک است؛ بقایای قبرهای مسیحیان در جزیره خارک که بالای آن صلیب نقش شده که قرن سوم تا هفتم تاریخ‌گذاری شده‌اند، بقایای خانه‌ای خصوصی در شهر دورا و اروپوس تاریخ‌گذاری شده به سال ۲۳۲ م، که گفته شده محل اجتماعات مسیحیان بوده است، بقایای دو کلیسای خشتی در حیره در عراق، و نیز در تیسفون که از قرن پنجم مقر نستوریان بود و کلیسایی خشتی شبیه کلیسای حیره نیز در رحالیه در نزدیکی بغداد یافته شده است.^{۴۲}

دو اصطلاح کریستیان و ناصرا در منابع کتیبه‌ای ساسانی

قدیمی‌ترین اشاره به تقسیم‌بندی کریستیان و ناصرا در کتیبه کرتیر، معاصر بهرام دوم، آمده است. در کتیبه سرمشهد سطر ۱۴ و کعبه زردشت سطر ۱۰ دو تقسیم‌بندی n'cl'y W klst'd'n/ Nāsrā ud Kristyān (در کتیبه نقش رستم سطر ۳۰ به صورت n'sl'y) آمده است.^{۴۳} در خصوص تعیین هویت این دو نام کنکاش و پژوهش بسیار شده است. آن‌چنان که کتیبه کرتیر نشان می‌دهد ایرانیان از همان آغاز، مسیحیان در ایران را به دو دسته تقسیم کرده بودند. اما تفاوت این دو در چیست. برخی کریستین‌ها را گروه یهودی مسیحی می‌دانند و برخی دیگر تلقی مسیحیان ارتدکس از آن دارند و گروهی دیگر معتقدند منظور فرقه‌های بدعت‌آمیز مثل مرقیون و برخی دیگر گفته‌اند منظور مندائیان است (برای تمامی نظریات نک. بروک^{۴۴}). بروک معتقد است این دو اصطلاح در کتیبه کرتیر اشاره

41. J. Kenneth Thomas, "Bible. iii. Chronology of Translations of the Bible" in *Encyclopedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-iii>, Vol. IV, fasc. 2, pp. 203-206, (Costa Mesa, California: Mazda, 1989); Kenneth J. Thomas and Fereydon Vahman, "Bible. vii. Persian Translations of the Bible", in *Encyclopedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-vii>, Vol. IV, Fasc. 2, pp. 209-213, (Costa Mesa, California: Mazda, 1989).

42. Judith Lerner, "Christianity ii. In Pre-Islamic Persia: Material Remains" in *Encyclopedia Iranica*, vol. V, fasc. 5, (Costa Mesa, California: Mazda, 1991), pp. 328-30, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/christianity-ii>, Cornelia Horn and C. D. Erica Hunter, "Christianity in the Late Antique Near East", *A Companion to Archaeology of Ancient Near East*, First edition, edited by D. T. Potts, (Blackwell: 2012), pp. 1095-1112.

43. Phillip Gignoux, *Glossaries des inscriptions pehlevies et parthes*, London, (1972), pp. 25, 29f. Philip Gignoux, *Les Quatre Inscriptions du mage Kirdir: texts et concordances*. Paris, Cahier Studia Iranica 9, (1991), p. 70, no. 138; D. N MacKenzie, "Kerdir's inscription: synoptic text in transliteration, transcription and commentary", in G. Hermann, *The Sasanian rock reliefs at Naqsh-e Rostam. Naqsh-e Rostam 6, Iranisch Denkmaler, Reihe II: Iranische Felsrelief*. Berlin, pp.35-72. [= *Iranica Diversa*, Vol. I, Roma, 1999: 217-274.], (1989), p. 64.

44. Sebastian Brock, "Some aspect of Greek words in Syriac", in: *Syriac Perspective on late Antiquity*, VI, (2001a), pp. 92 nos. 66-9; Christelle Jullien, "Les Chrétien déportés dans l'empire Sassanides sous Šābuhr I. A propos d'un recent article", *Studia Iranica* 40, (2011a), p. 287.

به مسیحیان بدون تمایز عقیدتی، ارتدوکس و بدعت‌آمیز دارد؛ و چنین به نظر می‌رسد که این دو نام اشاره به دو گروه متمایز دارد: یکی با منشاء جغرافیایی متفاوت و دیگری وفاداری متفاوت فرهنگی. در متون شهادی مسیحی ایرانی تمایزی میان نصرایه و کریستین دیده می‌شود. بروک بر آن است که نصاری اصطلاحی بود که ایرانیان برای اشاره به مسیحیان بومی ایرانی استفاده می‌کردند و لفظ کریستین که صرفاً از میانهٔ قرن سوم با کوچ مسیحیان در زمان شاپور اول استفاده شد اشاره به مسیحیان غربی در ایران دارد.^{۴۵} به عبارت دیگر، کریستیانی، از صورت سریانی کریستیانه^{۴۶}، و مسیحیان کوچ داده‌شده و اسیرشدهٔ جنگی بودند و نگاهشان به غرب و امپراتور روم بود و یونانی‌زبان بودند؛ و دستهٔ دیگر سریانیان و ایرانیان مسیحی‌شده در غرب کشور، مسیحیان بومی ایران، که خود را ناصری / نصرانی (اهل ناصریه)، از صورت سریانی نصرای^{۴۷} (عبری: نَئصری^{۴۸})، می‌خواندند و سریانی‌زبان بودند.^{۴۹} در ریو اردشیر نیز هر دو مقام اسقفی کلیسا داشتند و غالباً با هم در ستیز بودند. با نفوذ مسیحیت انطاکیه در اواخر قرن چهارم و آغاز قرن پنجم اصطلاح کریستین به همهٔ مسیحیان، صرف‌نظر از منشاء آنها، اطلاق گشت؛ و بعدها در همهٔ زبان‌های شرقی نام مسیحی (از صورت سریانی مشیهای^{۵۰} و در عربی به صورت مسیحی) جای آن را گرفت. واژهٔ نصریه^{۵۱} از همان زمان از نظر مسیحیان کریستین معنای تلویحی توهین‌آمیزی یافته بود.^{۵۲} واژهٔ دیگر برای نامیدن مسیحیان در منابع فارسی میانه: «ترسا^{۵۳}، خداترس»، دخیل از سغدی «ترساگ^{۵۴}» است که خود ترجمهٔ واژهٔ سریانی دهلا^{۵۵} (عبری: «ترسایان از خدا^{۵۶}») است. در زبور پهلوی غیرمسیحیان را نه‌ترسایان^{۵۷} خوانده‌اند. اصطلاح «مسیحی» به صورت عام برای مسیحیان خاورمیانه استفاده می‌شد و به نظر نمی‌رسد که در ایران کاربردی داشته بوده است؛ چرا که واژهٔ سریانی مشیحا^{۵۸}، در

45. Sebastian Brock, "Some aspect of Greek words in Syriac", (2001a), pp. 92- 95.

46. kristyānē

47. nasrāy

48. notsrī

49. Sebastian Brock, "Christians in the Sasanid Empire: a case of Divided Loyalties", in: *Syriac Perspective on late Antiquity*, IV, (2001b), pp. 3, 6 no. 21

و نیز علیرضا شاپور شهبازی، تاریخ ساسانیان، ترجمهٔ بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسهٔ آن با تاریخ بلعمی.

50. mšihāyē

51. nasraya

52. Sebastian Brock, "Some aspect of Greek words in Syriac" (2001a), pp. 92- 95.

53. tarsāg

54. trs'q

55. dahlā

56. yirei YHWH

57. na-trasāgān

58. mešihā

فارسی میانه تحت‌اللفظی ^{۶۰}annūdag/* nwtky/ : «مسح شده، تدهین شده»، در واژه‌نامه مکنزی handūadan: «روغن مالی کردن، اندودن، مالیدن»، ترجمه شده است.^{۵۹}

مهر و اثرمهرهای ساسانی

بخشی از مهر و اثرمهرهای ساسانی اختصاص به مسیحیان ایرانی دارد که بر روی آنها نقش یک یا چند صلیب دیده می‌شود. همچنین این مهرها بن‌مایه‌های تصویری مسیحی و تصویرهایی از عهد جدید بر آنها آمده است. بسیاری از این مهرها کتیبه به خط و زبان سریانی و پهلوی و اندکی به خط کوفی، متعلق به دوره بعد از ساسانی، دارند. نام‌های آمده بر روی مهرها، ایرانی است و مالک مسیحی مهر و اثرمهر است که با ساختار قالبی مشخصی مثل: panāh ō lšō: «در پناه مسیح» و abestān ō lšō: «به پشتی / پناه مسیح» آمده است.^{۶۱}

لوحه مسی کیلون^{۶۲} (تصویرهای ۱-۴)

در هند شاهان محلی جنوب هند که می‌خواستند اعطاء یا موقوفاتی بدهند معمولاً آنها را روی

59. James Russell, "Christianity i. In Pre-Islamic Persia: Literary Sources". in *Encyclopedia Iranica*, vol. V. fasc. 5. (Costa Mesa, California: Mazda, 1991), pp. 327-28, available online at: <https://www.iranicaonline.org/articles/christianity-i.>, Marco Frenschkowski, "Christianity" *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*, edited by Michael Stausberg and Yuhan Sohran-Dinshaw Vevaina with the Assistance of Anna Tessmann, (Wiley Blackwell: publisher, 2015), p. 467.

۶۰ نام مسیح در اثرمهرهای ساسانی به صورت yšwdy, hšwdy, 'yšwdy, yšwd, آمده است که صورت 'yšwdy متاثر از تلفظ سریانی است (Gyselen, 2006: 28, no. 21).

61. Horn and Hunter, p. 1104, Gyselen pp. 30- 39, 42- 51;

و نیز سه اثر مهم در خصوص مسیحیت در ایران ساسانی:

Philippe Gignoux, "Chrétien's on terre d'Iran V: Lexique des termes de la pharmacopée syriaque", *Cahier Studia Iranica* 47, (2011); C. Jullien (ed.), *Cahier Studia Iranica* 36, (2008); C. Jullien (ed.), *Chrétien's on terre d'Iran IV: Itinéraires missionnaires: échanges et identités*, *Cahier Studia Iranica* 44, (2011b), Rika Gyselen, *Chrétien's on terre d'Iran I: Implantation et acculturation*, *Cahier Studia Iranica* 33, (2006), 35, 51. Shaul Shaked, "Jews and Christian Seals of the Sasanian Period", In: M. Rosen-Ayalon (ed.), *Studies in memory of Goston Wiet*, Jerusalem, (1977), pp. 1-31.

۶۲ کولم نامی است که جغرافی‌دانان عرب مسلمان به شهر بندری کیلون در گوشه جنوبی سواحل مالابار در جنوب غربی هند داده بودند که امروزه کراالا نامیده می‌شود. کیلون در آغاز مرکز مسیحیان سنت‌توماس در جنوب هند بود. در نامه ایشوع‌بیع آدیابنه‌ای (وفات ۶۶۰ م.) به سیمون، اسقف فارس، نام این شهر را colon ذکر کرده است. در کتاب اخبار الصین و الهند (۳۷ هجری قمری) ذکر «کولم مالای» آمده است. سیاح یهودی بنجامین تودلایی و دیگر سیاحان گزارش کرده‌اند که تاجران مسیحی، یهودی و چینی در این منطقه بودند که از سوی مسلمانان بیرون رانده شدند. مارکوپولو نام این شهر را Coilum ذکر کرده است. ابن بطوطه گزارش مهمی از تاجران مسلمان در این شهر می‌دهد. خانواده سلطنتی تراونکوره (Travancore)، ۱۹۴۹ تا ۱۷۲۹ م. صاحب دولت محلی بودند (Bosworth 2015).

لوحه‌های مسی می‌نوشتند؛ لوحه‌های مسی کیلون دو مجموعه هستند. یک مجموعه شامل ۳ لوحه که دو تای آن در مدرسهٔ کلیسای سریانی در تیریوالا^{۶۳} محفوظ است؛ مجموعهٔ دیگر سه لوحه است که یکی از آنها گم شده است و دوتای دیگر در مدرسهٔ دینی قدیم در کوتایام نگهداری می‌شود. این لوحه‌های مسی به زبان تامیلی کهن و به الفبای خاص تامیلی یعنی گرتنا/ گره‌ای^{۶۴} نوشته شده‌اند که متن اصلی است. در آخرین لوحهٔ مسی که ششمین آنهاست، نام شاهدان به سه خط و زبان آمده است: پهلوی ساسانی در ۱۸ سطر، عربی و خط کوفی در ۱۰ سطر، خط عربی فارسی‌پهودی در ۸ سطر نوشته شده است. موضوع این وقف‌نامه اهدای قطعه زمینی به یک مسیحی ایرانی به نام سبریشوع است.^{۶۵} این لوح نشان می‌دهد که حضور زردشتیان/ پارسیان در هند قبل از آمدن آنان به گجرات، در جنوب غربی هند و در استان کرالا است که غالباً تاجر بودند. پس از این کتیبه، منبع دیگر در خصوص حضور زردشتیان در هند، چند کتیبهٔ پهلوی مربوط به قرن ۱۱ میلادی در غار ۹۰ در مجموعه غارهای بودایی کانهری در خارج از بمبئی است. به یک روایت شهر کیلون را مهاجران مسیحی در سال ۸۲۵ م. بنیاد نهادند. آبای سریانی به نام‌های مار ساپور، مار پیروز و سبریشوع به هند آمدند و به شهر کولم^{۶۶} رسیدند. آنها به نزد شاه محلی آنجا به نام شکیربرتی^{۶۷} رفتند و زمینی برای ساختن شهر و کلیسا درخواست کردند که مورد اجابت قرار گرفت. این چنین شد که شهر کولم یا همان کیلون را بنیان نهادند و این لوحه‌های مسی یادگار آن وقف و بخشش است.^{۶۸} یوزف لوحهٔ مسی کیلون را مربوط به سال پنجم حکومت سنتهو راوی^{۶۹}، معاصر آدیتییه اول (۸۷۷-۹۰۷ م.)، شاه کولا^{۷۰} می‌داند و این لوح مسی را حدود ۸۸۰ میلادی تاریخ‌گذاری می‌کند.^{۷۱} در این لوح مواجهه با چهار گروه دینی یهود، مسلمانان، مسیحیان و زردشتیان هستیم که به عنوان شاهد وقف زمین، نامشان آمده است.^{۷۲} این لوح مسی هم‌اکنون در کلیسای مسیحی

63. Tiruvalla

64. Grantha

۶۵ رضایی‌باغبیدی، حسن «کهن‌ترین متون فارسی به خطوط غیرعربی (عربی، سریانی و مانوی)»، نامهٔ فرهنگستان، ۲/۸،

۱۳۸۵، ص ۱۲.

66. Kūllam

67. Shakirbirti

68. H. W. Brown, *The Indian Christian of St Thomas, An Account of the Ancient Syrian Church of Malabar*, (Cambridge, 1956), p. 74.

69. Sthanu Ravi

70. Cōla

71. Ibid.

72. Ibid p. 101, G. Carlo Cereti, "Some Primary Sources on the Early History of the Parsis in India", in: Fereyduun Vahman & Claus V. Pedersen, eds., *Religious Texts in Iranian Languages. Symposium held in Copenhagen May 2002. Kobenhavn*, (the Royal Danish Academy of Sciences and Letters, 2007), p. 211.

مار توماس در تیرووالا^{۷۳} نگهداری می‌شود؛ و کهن‌ترین شاهد شناخته‌شده از حضور زردشتیان، یهودیان ایرانی / فارسیهودی در هند است. معتقدند این لوحه‌ها اصلی نیستند و کپی شده‌اند چرا که کپی‌کنندگان این زبان‌ها را نمی‌دانستند و بد کپی کرده‌اند.^{۷۴} از آن‌جایی که متن کوفی کپی مناسبی دارد معلوم می‌شود که حکاک در عربی مهارت داشته اما در خصوص دو خط دیگر این مهارت دیده نمی‌شود.^{۷۵} تاریخ این لوحه‌ها را قرن نهم میلادی می‌دانند.^{۷۶} نام‌های مسیحی آمده بر این لوح مسی و صلیب‌های کوه مقدس در چنایی قدیمی‌ترین شواهد حضور جامعه مسیحی ایرانی در جنوب غربی هند است. این لوح مسی در سال ۱۸۰۶ م. را کولین مک‌اولای^{۷۷} یافت. از سال ۱۸۴۳ که عکس‌های این لوح مسی در مجله سلطنتی مطالعات آسیایی^{۷۸} چاپ شد؛ گوندرت در سال ۱۸۴۴-۴۵ به این لوح مسی پرداخت.^{۷۹} نخستین قرائت از این لوح مسی در سال ۱۸۷۰ از سوی وست^{۸۰} و نیز در همان سال با تصحیح چند قرائت وست از سوی هاگ^{۸۱} انجام شد. در سال ۱۸۷۴ بروئل^{۸۲} نیز در مقاله‌ای به این لوح مسی توجه کرده و با پرداختن به جزئیات متن پهلوی، فارسیهودی و عربی لوح مسی و به تبعیت از هاوگ آن را متعلق به قرن ۹ میلادی دانسته است. زالمان^{۸۳} قرائت درستی از متن فارسیهودی داد. یوزف در مقاله‌ای^{۸۴} قرائتی از این لوح مسی به چاپ رساند و در اثر دیگر خود^{۸۵} به این لوح مسی و تاریخ‌گذاری آن و جامعه مسیحیان هند در

73. Tiruvalla

74. Brown p. 101.

75. G. Carlo Cereti, "The Pahlavi Signature on the Quilon Copper Plates (Tabula Quilonensis)", *Exegetisti Monumenta*, Festschrift in Honor of Nicholas Sims-Williams, edited by Werner Sundermann, Almut Hinze and Francois de Blois, Iranica 17, (Wiesbaden, 2009), p. 39.

76. Cereti, pp. 31, 32: no. 4, 38; Th. E. Gindin, *the Early Judaeo-Persian Tafsirs of Ezekiel: Text, Translation and Commentary, vol. I: Text, Vol. 2, Translation*, Wien, (2007), p. 10.

77. Colin Macaulay

78. Journal of Royal Asiatic Society

79. H. Gundert, "Translation and analysis of the ancient documents engraved on copper in possession of the Syrian Christian and Jews of Malabar", in: *The Malabar Journal of Literature and Science XII*, (1844-45), pp. 155-146.

80. E. W. West, "Sasanian Inscriptions explained by the Pahlavi of the Pārsis", *Journal of Royal Asiatic Society IV*, (1870), pp. 357-405.

81. M. Haug, "An Introductory essay on the Pahlavi Languages", In: *Destur H. Jamaspij Asa: An Old Pahlavi-Pazand Glossary*, Bombay, (1870), pp. 1-148.

82. A. C. Brunell, "On Some Pahlavi Inscription in South India", In: *Kerala Society Papers. Series 6*, (1874), pp. 314-16, figs. 2-3.

83. C. Saleman, *Judaica-Persicanach St. Petersburger Handschriften I, Chudāidāt, Ein Judisch-bucharisches Gedicht*, St. Petersburg, Memoires de la Academe Imperial des Sciences de St. Petersburg VII Series, Tome XLII, 14, (1897), p. 11 no. 1.

84. T. K. Joseph, Malabar Miscellany VII. The Malabar Christian Copper Plates", *Indian Antiquary*, LVIII, (1929b), pp. 13-16.

85. T. K. Joseph, *Malabar Christian and their Ancient Documents*, Trivandrum, (1929a).

مالابار پرداخت. وینکورت^{۸۶} دربارهٔ کتیبهٔ پهلوی لوح مسی مقاله‌ای منتشر کرد. براون^{۸۷} در یک تک‌نگاری مفصل دربارهٔ کلیسای سریانی مالابار و مسیحیان سنت توماس هند نوشت و نیز قرائتی از کتیبه‌های این لوح داد. بیلی^{۸۸} در نقدش بر کتاب براون قرائت تازه‌ای از متن پهلوی ساسانی داد. مینورسکی^{۸۹} نیز به این لوح و جامعهٔ مسیحیان هند پرداخته است. هنینگ^{۹۰} قرائت بیلی را تأیید و نیز قرائت زلمان از متن فارسی‌هودی را تصحیح کرد. از آخرین پژوهش‌ها مقالهٔ چرتی است که مفصلاً به این لوح و سه متن آن پرداخته است.^{۹۱} وی براساس متن کوفی، تاریخ‌گذاری نیمهٔ دوم قرن ۹ م. را پیشنهاد کرده است.

کتیبهٔ پهلوی

متن پهلوی در ۱۸ سطر آمده است. شیوهٔ کتابت خط پهلوی به گونه‌ای است که نشان می‌دهد نویسنده چندان آشنایی با خط پهلوی و نیز عبری نداشته است. چنین به نظر می‌رسد که اگر کاتب هر سه متن یک نفر بوده باشد، تسلطش بیشتر بر خط کوفی بوده است.^{۹۲} شیوهٔ کتابت به گونه‌ای است که حرف‌ها بسیار ساده شده است و از گونهٔ خطی سفال‌نوشته‌ها و پاپيروس‌ها^{۹۳} تحریری‌تر و شکسته‌تر است.^{۹۴} این متن از دو بخش است. نخست نام‌های مسیحیان ایرانی است و در انتها که با عبارت «به‌دینان» آمده نام‌های ایرانیان زردشتی آمده است.

1. hmgwnk' L plhw' (Y) [n]lshy Y
2. štr''b'n gwk'dy HWEm hm[g]wnk [L]
3. ywhnn Y mšy' Y wyhz't' ptš
4. gwk'dy HWEm hmgwnk' L
5. šhdwst' W mltywih Y plhwyk
6. ptš gwk'dy HWEm hmgwnk' L

86. C. P. T. Winckworth, "Note on the Pahlavi Signatures to the Quilon Copper Plates", *Kerala Society Papers*, Series 6, (1930), pp. 320- 323.

87. H. W. Brown, *the Indian Christian of St Thomas. An Account of the Ancient Syrian Church of Malabar*, (Cambridge, 1956).

88. H. W. Baily, Transliteration and Translation of the Pahlavi Paragraph in *Brown* (1956), pp. 87-89.

89. V. Minorsky, "Some Early Documents in Persian (I)", *Journal of Royal Asiatic Society*, (1982), p. 183.

90. W. B. Henning, "Mitteliranische" in *Handbuch der Orientalistik I, IV, 1*, Leiden, (1958), p. 40.

91. G. Carlo Cereti, "The Pahlavi Signature on the Quilon Copper Plates (Tabula Quilonensis)", pp. 31- 50.

92. *Ibid* p. 38.

94. *Ibid* p. 38ff.

7. synmtr Y bgwyh ptšg wk[dy]
8. HWEm hmgwnk' L
9. syny Y y'kwp ptš [gwk'dy]
10. HWEm hmgwnk L [شکستگی لوح]
11. Y mltywih ptš gwk[dy HWEm]
12. hmgwnk' L mlwy Y ywhnn' gwk[dy HWEm]
13. hmgwnk' L plnbg Y
14. wnd't 'whrmzd ptšg wk'dy HWEm
15. hmgwnk' L mlt'plhwbwdš't'
16. ptš gwk'dy HWEm hmgwnk'
17. L ('')tmit' Y 'hl'y ptš
18. gwk'dy HWEm

1. hamgōnag man Farrox ī Narseh ī
2. Šahrābān gugāy hōm, hamgōnag man
3. Yōhanan ī Mašya ī Wehzād padiš
4. gugāy hōm hamgōnag man
5. Šahdōst ī Mardweh ī Farrōxīg
6. padiš gugāy hōm hamgōnag man
7. Sēnmihir ī Bayweh padiš gugāy
8. hōm hamgōnag man
9. Sīnā ī Yākub padiš gugāy
10. hōm hamgōnag man, [حولی گتسکش]
11. ī Mardweh padiš gugāy hōm]
12. hamgōnag man Marōē ī Yōhanan padiš gugāy hēm
13. az Wehdēnān hamgōnag man Farrbay ī
14. Windād-Ohrmazd padiš gugāy hōm
15. hamgōnag man Mard-Farrox Y Bōyšād/ Bōršād
16. padiš gugāy hōm hamgōnag
17. man Āzādmard ī Ahlā padiš
18. gugāy hōm.

«همین گونه من، فرخ پسر نرسی پسر شهرابان گواهم. همین گونه من یوحنا پسر مشیا پسر بهزاد گواهم. همین گونه من، شه دوست پسر مردوه پسر فرخیگ بدان گواهم. همین گونه من، سین

مهر پسر بی وه / بغ بدان گواهم. همین گونه من، سینا پسر یعقوب بدان گواهم. همین گونه من،
 پسر مردوه بدان گواهم. همین گونه من، مارویه پسر یوحنا بدن گواهم. از بهدینان همین گونه من،
 فرنیغ پسر ونداد_ هرزمز بدان گواهم. همین گونه من، مردفرخ پسر بویشاد بدان گواهم. همین گونه
 من، آزادمرد پسر اهلا بدان گواهم.»

متن فارسی‌یهودی

اصطلاح فارسی‌یهودی به گویش یهودیان ایرانی اطلاق می‌شود که به یکی از گویش‌های فارسی تکلم می‌کردند که بیش از هزار سال در ایران رایج بوده است. حضور یهودیان در ایران به قرن ۸ پ.م برمی‌گردد که از قدیمی‌ترین اجتماعات در جهان است و با استقرار در ایران فرهنگ و ادبیات ایرانی را پذیرفتند. یهودیان در ایران در هر جا که ساکن بودند به همان گویش صحبت می‌کردند. مثل یهودیان یزد، اصفهان، شیراز، تاجیکی و غیره؛ اینان گویش خود را با خط عبری می‌نوشتند. قدیمی‌ترین شواهد مکتوب فارسی‌یهودی به قرن ۸ میلادی بازمی‌گردد. به سبب تأثیر نگرقتن از فارسی معیار و دوربودن از تصحیف نسخه‌نویسان، دارای ویژگی کهن‌گرایی است. نویسندگان فارسی‌یهودی زبان خود را «فارسی»، شاید پارسی به فارسی‌یهودی، و غیر یهود آن را زیدی، جودی و جیدی می‌نامیدند. محققان به دو گویش فارسی‌یهودی قائل‌اند: یکی فارسی‌یهودی متقدم و دیگری فارسی‌یهودی که مربوط به دوره بعد از حمله مغول است که تا حدی زیادی این دومی با فارسی نو یکی است. از ویژگی‌های فارسی‌یهودی متقدم این است که حد میانه پهلوی ساسانی و فارسی نو متقدم است که ویژگی‌هایی را از هر دو داراست و برای فهم تحول از پهلوی ساسانی به فارسی نو مهم هستند. براساس بررسی محققان، منشاء فارسی‌یهودی متقدم جنوب غربی ایران، خوزستان و فارس، است و از این نظر به پهلوی ساسانی نزدیکتر است.^{۹۵} متن فارسی‌یهودی لوح مسی کیلون در ۸ سطر نوشته شده است که نخستین متن فارسی‌یهودی غیر از متون مقدس است.^{۹۶}

1. hmgwn mn hsn 'ly
2. pdyš gwhwm
3. hm gwn mn shq

۹۵. ژیلبر لازار، شکل‌گیری زبان فارسی، ترجمه مهستی بحرینی (تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۴).

L. Paul, *A Grammar of Early Judeo-Persian*, Dr. Ludwig Reichert Verlag, (Wiesbaden, 2013); Th. E. Gindin, *The Early Judaeo-Persian Tafsirs of Ezekiel: Text, Translation and Commentary*, Th. E. Gindin, "Judeo-Persian Communities of Iran, viii. Judeo-Persian Language", in *Encyclopedia Iranica*, Vol. XV, fasc. 2, (Costa Mesa, California: Mazda, 2009), pp. 132-139.

96. Th. E. Gindin, *The Early Judaeo-Persian Tafsirs of Ezekiel: Text, Translation and Commentary*, p. 10.

4. smy'yl pdyš
5. gwhwm hmgwn mn
6. 'brhm qwwmy
7. gwhwm hmgwn mn
8. krš yhyy gwhwm
1. hamgōn man Hasan Ali
2. padiš guwahum
3. hamgōn man Sahaq
4. Sama'eīl padiš
5. guwahum hamgōn man
6. Abraham Qōmi
7. guwahum hamgōn mn
8. Kiraš Yahya guwahum.

«همین گونه من حسن علی بدان گواهم؛ همین گونه من سَحَق / اسحاقِ سماعیل / اسماعیل بدان گواهم؛ همین گونه من آبراهام قمی گواهم؛ همین گونه من کی‌رش / کوروش یحیی گواهم.»

متن کوفی:

این روایت به خط کوفی نوشته شده و کتیبه آن کاملاً واضح است؛ بورکیت در سال ۱۹۳۰ میلادی این کتیبه را خوانده است.^{۹۷} الفبای کوفی تواند شاهدهی باشد برای تاریخ‌گذاری نیمه دوم قرن نهم میلادی.^{۹۸}

«(و شهید) بذلک^{۹۹} میمون بن ابر-

هیم و شهید محمد بن منیع^{۱۰۰}

و شهید طح^{۱۰۱} بن علی و شهید

عثمان بن المرزبان و شهید

محمد بن یحیی و شهید عمرو بن

97. F. C. Burkitt, "Arabic (Kufic) Signatures on the Copper Plate" in: *Kerala Society Papers*, Series 6, (1930), pp. 323.

98. G. Carlo Cereti, "The Pahlavi Signature on the Quilon Copper Plates (Tabula Quilonensis)", p. 37.

۹۹. این قرائت آقای شیخ‌الحکمایی است. دیگران لذلك خوانده‌اند.

۱۰۰. این قرائت آقای شیخ‌الحکمایی است. دیگران منیع خوانده‌اند.

۱۰۱. این قرائت آقای شیخ‌الحکمایی است. دیگران صلح خوانده‌اند.

ابرهیم و شهید ابرهیم بن
الطی و شهید بکر بن منصور
و شهید القاسم بن حمید
و شهید منصور بن عسی بن^{۱۰۲}
شهید اسمعیل بن یعقوب»

تعلیقات:

متن پهلوی ساسانی:

جملهٔ قالبی hmgwnk L + name + ptšgwk'dyHWE m جملهٔ قالبی
عبارتی پهلوی ساسانی برای شاهدان است. رهگشا به این خوانش مشابه، همین عبارت در روایت
عبری است که به صورت hmgwnmn + name + pdyšgwhwm است.^{۱۰۳} نام نرسی، در سطر ۱،
بازسازی شده است و قرائت چرتی است. پیشنهاد دیگر او نام Rexš است.^{۱۰۴} بیلی این نام را š's
حرف نویسی کرده است.^{۱۰۵} در سطر ۲، بخش نخست نام شهرابان را بیلی d't خوانده است که به
نظر درست تر می آید. چرتی با تردید پیشنهاد d't-ORHYAn/ Dād-bayān را هم می دهد.^{۱۰۶} در سطر
۵، پس از نام شه دوست، کسرهٔ اضافه دیده نمی شود. حرف W/ud کاملاً واضح است که چرتی در
قلاب آورده است. هم چنان که چرتی گفته، انتظار داریم که برای نسبت خانوادگی کسرهٔ اضافه بیاید
و نه حرف عطف «و». بیلی بدون قرائت مسلمی به صورت zzyhgnd't' mltywih خوانده است. در
سطر ۷، بیلی این نام را yylwmčyw Y bkwyh حرف نویسی کرده است. در سطر ۹، بیلی yyhwy
حرف نویسی کرده است. در سطر ۱۰، انتهای سطر بر روی لوح شکسته شده است. سطر ۱۲، بیلی
نام مارویه را m'ly/ Mārī خوانده است. سطر ۱۵، هنینگ Mardān-farrox خوانده است.^{۱۰۷} آنچه
چرتی بویشاد خوانده، بیلی Bōršād/ bwrš't' خوانده است. قرائت بویشاد مرجح است؛ و در سطر
۱۷، بیلی 'hry/ Ahrāy خوانده است؛ چرتی پیشنهاد 'hl<w>b/ Ahlaw و نیز šldy/ šard را هم

۱۰۲. این قرائت آقای شیخ الحکمایی است. دیگران «و» خوانده اند.

103. G. Carlo Cereti, "The Pahlavi Signature on the Quilon Copper Plates (Tabula Quilonensis)", (2009), p. 34 no.17.

104. G. Carlo Cereti, "The Pahlavi Signature on the Quilon Copper Plates (Tabula Quilonensis)", (2009), p. 34, no. 21.

105. H. W. Brown, *The Indian Christian of St Thomas. An Account of the Ancient Syrian Church of Malabar*, (1956), p. 88.

106. Ibid p. 34, no. 22.

107. W. B. Henning, "Mitteliranische", p. 51, no.2.

می‌دهد.^{۱۰۸} نام‌ها به جز سه نام آخر که با عبارت «از بهدینان» آمده، یعنی فربی پسر وندادهرمز و مردفرخ پسر بویشاد و آزادمرد پسر اهلاهی، که زردشتی هستند، نام‌های ایرانیان مسیحی است.

متن فارسی‌یهودی:

این روایت هم‌چنان که در بالا گفته شد، ساخت قالبی دارد. معادل حرف اضافه پهلوی ساسانی pad در فارسی‌یهودی p' / pa(d) است. تنها وقتی به ضمیر متصل سوم شخص iš / yš می‌آید، دوباره حرف d نمایان می‌شود؛ که در فارسی نو صورت «پیش» آمده است. این pa فارسی‌یهودی دوره انتقال pad پهلوی ساسانی به ba, be فارسی نو را نشان می‌دهد. اما این حرف d در مواضع دیگر، مثل اتصال به ضمائر اشاره «آن» و «این» در متن‌های فارسی‌یهودی حذف شده است: p'n / p'n و نیز p'yn / p'yn؛ که برخلاف فارسی نو که به صورت «بدین» و «بدان»، از صورت‌های کهن‌تر *padēn و *padō* آمده است. در متون فارسی‌یهودی دو حرف اضافه p' و by آمده است که دومی همچون کاربردش در پهلوی ساسانی برای تأکید با ā آمده است و معنای اصلی خود را اینجا از دست داده است و نیز همچون پهلوی ساسانی با افعال حرکتی و نقش جهت‌نما دارد و هر دو بعدها در فارسی نو به be تبدیل شده است.^{۱۰۹} فعل آمده در این متن مضارع اول شخص مفرد است. در برابر hmgwnk' پهلوی ساسانی برابر نهاد فارسی‌یهودی آن hmgwn است؛ در متن پهلوی ساسانی صرف ماضی ساده اول شخص مفرد hwem' dy gwk' آمده که برابر نهاد فارسی‌یهودی آن gwhwm، شناسه اول شخص مضارع در گویش فارسی-یهودی wm آمده است؛^{۱۱۰} چون در خصوص واج o در فارسی‌یهودی تردید هست این شناسه به صورت um نوشته می‌شود.^{۱۱۱} به جای هزوارش ضمیر اول شخص مفرد L، صورت غیرهزوارشی mn آمده است.^{۱۱۲} چرتی صورت hamgūn را داده است

108. G. Carlo Cereti, "The Pahlavi Signature on the Quilon Copper Plates (Tabula Quilonensis)", p. 36, no. 29.

۱۰۹. ژیلبر لازار شکل‌گیری زبان فارسی؛ صص ۲۲۱-۲۲۹ و نیز

L. Paul, "Early Judaeo-Persian in Historical Perspective: The Case of the Prepositions bē, o, pa(d), and the Suffix -rā", in *Persian Beginnings*, ed. L. Paul, Wiesbaden, (2003), pp. 186; L. Paul, *A Grammar of Early Judeo-Persian*, p. 143; Th. E. Gindin, "Judeo-Persian Communities of Iran, viii. Judeo-Persian Language", (2009), p. 14; Th. E. Gindin, *The Early Judaeo-Persian Tafsirs of Ezekiel: Text, Translation and Commentary*, (2007), Shaul Shaked, "Classification of Linguistic features in Early Judeo-Persian Texts", (2009), p. 456.

110. Shaul Shaked, "Classification of Linguistic features in Early Judeo-Persian Texts", *Exegetisti Monumenta*, Festschrift in Honor of Nicholas Sims-Williams, edited by Werner Sundermann, Almut Hinze and Francois de Blois, Iranica 17, Wiesbaden, (2009), p. 454.

111. L. Paul, *A Grammar of Early Judeo-Persian*, Dr. Ludwig Reichert Verlag, (Wiesbaden, 2013), p. 118.

112. Carlo G. Cereti, "The Pahlavi Signature on the Quilon Copper Plates (Tabula Quilonensis)", pp. 36-37.

و مکنزی در واژه‌نامه‌اش صورت hamgōn را می‌دهد. چرتی نام آمده در سطر ۶ را به تبعیت از زالمان Quwami آوانویسی کرده است. قرائت قمی، پیشنهاد نگارنده است. چرتی برای نام آمده در سطر ۸، قرائت Kuruš را می‌دهد. زالمان زکریا، zkry' / Zakariya، می‌خواند. نام کوروش در منابع سریانی^{۱۱۳} به صورت kwrš / Koraš؛ در روایت آرامی کتیبه بیستون به صورت^{۱۱۴} krš؛ در عبری به صورت Kōreš و در آرامی kwrš و در آرامی کتاب مقدس kwrš؛ در مصری باستان^{۱۱۵} kwrš. در منابع دوره اسلامی به صورت کوروش، کیورش، کیورش، کیرش، کیرس، کیرش العیلمی / علمی / غیلمی؛ و کورش، قورس.^{۱۱۶}

نتیجه‌گیری:

یک بخش مهم ادبیات ایران باستان شامل ادبیات متنوع و گسترده ایرانیان مسیحی است. این گروه از ایرانیان هم به زبان و خط ایرانی میانه غربی، کتیبه و متون مکتوب مثل زبور، و هم ادبیات ایرانی میانه شرقی، سغدی مسیحی، ادبیات مکتوب مهم و اساسی ایجاد کردند. به خصوص که به سبب فعالیت‌های تبشیری و تیز تجاری در خارج از ایران نیز به کتابت به زبان‌های ایرانی پرداختند. از این شمار است کتیبه‌هایی که در هند، بر صلیب و کتیبه حاضر، که به خط و زبان پهلوی ساسانی که زبان خود اینان بود، بر جای بنهند. در نیمه دوم شاهنشاهی ساسانی اوج مواجهه ایران و بیزانس بود که یک سبب آن پذیرفتن مسیحیت در بیزانس و رسمی شدن آن و نیز مسیحی شدن ارمنستان بود. این باعث شد که در داخل ایران مسیحیان هم عامل بیزانس دانسته شوند. این کشمکش باعث شد مسیحیت نوع ایرانی به نام مسیحیت نستوری یا مسیحیت ایرانی شکل بگیرد و ارتباط خود را با بیزانس قطع نماید. در واقع همان قدر که امپراتوری روم در گسترش مسیحیت غربی نقش داشت، به همان مقدار شاهنشاهی ساسانی در توسعه و گسترش مسیحیت شرقی نقش داشته است. در این برخوردها منابع مسیحی مثل شهادت‌نامه‌ها اغراق بسیار در برخورد شاهان و موبدان دین زردشتی

113. Ph. Gignoux, Ch. Jullien, F. Jullien: *Iranisches Personennamenbuch, Band VII Iranische Namen in Semitischen Nebenüberlieferungen, Faszikel 5 Noms Propres Syriaques D'Origine Iranienne*, (Wien, 2009), p. 93, no. 262a-b.

114. J. Tavernier, *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.): Lexicon of Old Iranian Proper Names and Loanwords, attested In Non-Iranian Texts*, (Leuven, 2007), p. 529.

115. Rudiger Schmitt, "Cyrus i. The name", in *Encyclopedia Iranica*, Vol. VI, Fasc. 5, (Costa Mesa, California: Mazda, 1993), pp. 515-516, available on line at: <http://www.iranicaonline.org/articles/cyrus-i-name>.

۱۱۶. سیدابوطالب میرعابدینی، فرهنگ اساطیری- حماسی ایران، به روایت منابع بعد از اسلام، جلد دوم: کیانیان، (تهران:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸)، ص ۱۸۷، ۳۴۲-۳۵۸.

دارند که بایستی در جای خودش تجزیه و تحلیل شود؛ چنان که بسیاری از این اخبار یک‌طرفه و به دور از واقعیت است. اگر شرایط سیاسی میان ایران و بیزانس را به سبب مسیحی شدن بیزانس کنار نهیم، تاریخ ایران باستان غالباً محل همزیستی ادیان و اقوام مختلف بوده است و هرگاه شرایط حادی پیش آمده است بایستی حتماً اوضاع سیاسی زمانه را مدنظر داشت و براساس آن تفسیر و تحلیل تاریخی کرد. کتیبه لوح مسی کیلون، اجتماع این ادیان و اقوام در سرزمین هند است. یک روایت این کتیبه متنی موسوم به فارسیهودی است. هم‌چنان که در مقاله گفته شده از کهن‌ترین منابع در خصوص زبان‌های ایرانی گویش فارسیهودی است که به خط عبری و زبان گویشی ایرانی یهودیان ساکن هر منطقه خاص ایران نوشته شده است.

کتاب‌نامه

- آسموسن، ی. پ. «مسیحیان در ایران». *تاریخ ایران کمبریج*. جلد ۳. قسمت ۲. از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷. ص ۳۹۵-۳۶۵.
- جلالی مقدم، مسعود. «دین مسیحی در ایران باستان». *تاریخ جامع ایران*. جلد ۴. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- رضایی باغبیدی، حسن. «کهن‌ترین متون فارسی به خطوط غیرعربی (عربی، سریانی و مانوی)». *نامه فرهنگستان*. ۲/۸. ۱۳۸۵. ص ۳۱-۹.
- سمیز- ویلیامز، نیکلاس. «ادبیات مسیحی در زبان‌های ایرانی میانه». ترجمه نگین صالحی‌نیا. *ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش رونالد امریک و ماریا ماتسوخ. ترجمه فارسی زیر نظر ژاله آموزگار در مجموعه تاریخ ادبیات فارسی زیر نظر دکتر احسان یارشاطر. جلد هفدهم (پیوست ۱). تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۹. ص ۳۱۱-۳۰۷.
- شهبازی، علیرضا شاپور. *تاریخ ساسانیان*. ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹.
- میرعابدینی، سید ابوطالب. *فرهنگ اساطیری- حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام*. جلد دوم: کیانیان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
- کریستین سن، آرتور. *ایران در زمان ساسانیان*. ویراستار حسن رضایی باغبیدی. تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۰.
- لازار، ژیلبر شکل‌گیری زبان فارسی. ترجمه مهستی بحرینی. تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۴.
- ویسهوفر، یوزف. *تاریخ ایران باستان*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: نشر ققنوس، ۱۳۷۷.
- وینتر، انگلبرت و بثاته دیگناس. *روم و ایران، دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی*. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: انتشارات فرزانه روز، ۱۳۸۶.
- Asmussen, P. Jes. Rudiger Schmitt, "Cyrus i. The name", in Encyclopedia Iranica, Vol.

- VI, fasc. 5, Costa Mesa, California: Mazda, 1993, pp. 515-516, available on line at: <http://www.iranicaonline.org/articles/cyrus-i-name>.
- Baily, H. W. "Transliteration and translation of the Pahlavi Paragraph". in Brown 1956. pp. 87-89.
- Bosworth, C. E. "Kūlam" in Encyclopedia of Islam. 2015. available online at: http://referenceworks.brillonline.com/entries/encyclopedia-of-islam-2/kulam-SIM_44993.
- Brock, Sebastian. "Some aspect of Greek words in Syriac". in Syriac Perspective on late Antiquity. VI. 2001a. pp. 80- 108.
- Brock, Sebastian. "Christians in the Sassanid Empire: a case of Divided Loyalties". in Syriac Perspective on late Antiquity, IV, 2001b, pp. 1-19
- Brock, Sebastian. "An Introduction to Syriac Studies". 2006. available online at: http://www.tertullian.org/rpearse/oriental/Brock_Introduction.pdf, Gorgias Hand book 4.
- Brown, H. W The Indian Christian of St. Thomas. An Account of the Ancient Syrian Church of Malabar. Cambridge, 1956.
- Brunell, A. C. "On Some Pahlavi Inscription in South India". In Kerala Society Paper. Series 6. 1874. p. 323.
- Burkitt, F. C. "Arabic (Kufic) Signatures on the Copper Plate". in Kerala Society Papers. Series 6. 1930. pp. 323.
- Cereti, G. Carlo. "Some Primary Sources on the Early History of the Parsis in India". in :Fereyduh Vahman & Claus V. Pedersen, eds., Religious Texts in Iranian Languages. Symposium held in Copenhagen May 2002. Kobenhavn. The Royal Danish Academy of Sciences and Letters, 2007. pp. 211-222.
- Cereti, G. Carlo. "The Pahlavi Signature on the Quilon Copper Plates (Tabula Quilonensis)". Exegetisti Monumenta. Festschrift in Honor of Nicholas Sims-Williams, edited by Werner Sundermann, Almut Hinze and Francois de Blois. Iranica 17. Wiesbaden, 2009, pp. 31- 50.
- Frenschkowski, Marco. "Christianity". The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism. Edited by Michael Stausberg and Yuhuan Sohrum Dinshaw Vevaina with the Assistance of Anna Tessmann, Wiley Blackwell, (2015), pp. 457- 475.
- Gignoux, Philippe. "Syriac Language: ii. Syriac writings on pre-Islamic Iran", Costa

- Mesa, California: Mazda, 2009, in: Encyclopedia Iranica, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/syriac-language-ii-syriac-writings-on-pre-islamic-iran>.
- Gignoux, Phillip. *Glossaries des inscriptions pehlevies et parthes*. London, 1972.
- Gignoux, Phillip. "Syriac Language: iii. Syriac Translators as the Medium for Transmission of Greek Ideas to Sasanian Iran", in *Encyclopedia Iranica*, Costa Mesa, California: Mazda, 2015, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/syriac-language-03-translators-greek-ideas>.
- Gignoux, Philippe. , "Pahlavi Psalter", Costa Mesa, California: Mazda, 2002, In: *Encyclopedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/pahlavi-psalter>,
- Gignoux, Philippe *Les Quatre Inscriptions du mage Kirdir: textes et concordances*. Paris: Cahier Studia Iranica 9, 1991.
- Gignoux, Philippe. *Chrétien's en terre d'Iran V: Lexique des termes de la pharmacopée syriaque*. Cahier Studia Iranica 47, 2011.
- Gignoux, Philippe Jullien, Ch. and F. Jullien. *Iranisches Personennamenbuch, Band VII Iranische Namen in Semitischen Nebenerlieferungen, Faszikel 5 Noms Propres Syriaques d'Origine iranienne*. Wien, 2009.
- Gindin, Th. E. "Judeo-Persian Communities of Iran, viii. Judeo-Persian Language", in *Encyclopedia Iranica*, Vol. XV, fasc. 2, Costa Mesa, California: Mazda, 2009, pp. 132-139.
- Gindin, Th. E. *The Early Judeo- Persian Tafsirs of Ezekiel: Text, Translation and Commentar*. vol. I: Text. Vol. 2: Translation, 2007, Wien.
- Gundert, H. "Translation and analysis of the ancient documents engraved on copper in possession of the Syrian Christian and Jews of Malabar". in: *The Malabar Journal of Literature and Science* XII. 1844- 45. pp. 155-146.
- Gyselen, Rika. (ed.) *Chretien's en terre d'Iran I: Implantation et acculturation*. Cahier Studia Iranica 33. 2006.
- Haug, M. "An Introductory essay on the Pahlavi Languages". In: *Destur H. Jamaspji Asa: An Old Pahlavi- Pazand Glossary*. Bombay. 1870. pp. 1-148.
- Henning, W. B. "Mitteliranische". in *Handbuch der Orientalistik I, IV, 1*, Leiden. 1958. pp. 20-129.

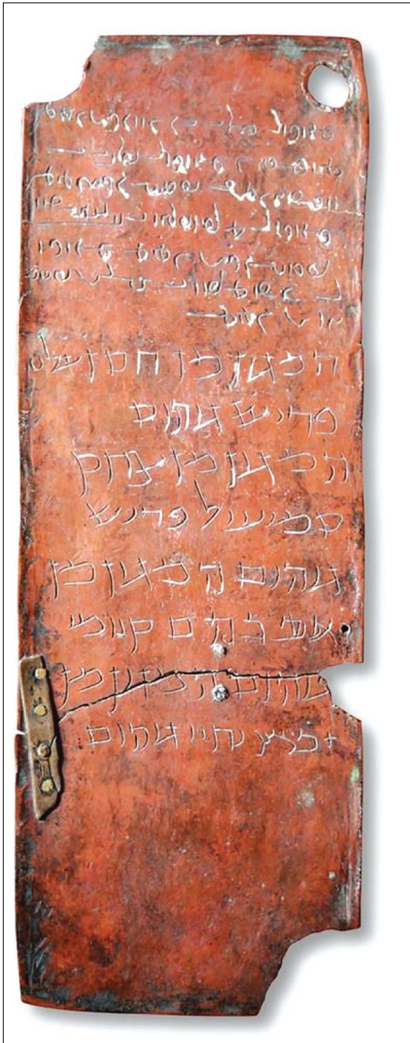
- Horn, Cornelia and Hunter, C. D. Erica. "Christianity in the Late Antique Near East". A Companion to Archaeology of Ancient near East. First edition. edited by D. T. Potts. Blackwell. 2012.
- Joseph, T. K. Malabar Christian and their Ancient Documents. Trivandrum. 1929a.
- Joseph, T. K. "Malabar Miscellany VII. The Malabar Christian Copper Plates". Indian Antiquary. LVIII. 1929b. pp. 13- 16.
- Jullien, C. (ed.). Chrétiens en terre d'Iran II: Controverses des chrétiens dans l'Iran sassanide. Cahier Studia Iranica 36. 2008.
- Jullien, Christelle. "Les Chrétien's déportés dans l'empire Sassanides sous Šābuhr I. A propos d'un recent article". Studia Iranica 40. 2011a. pp. 285- 293.
- Jullien, C. (ed.). Chrétien's en terre d'Iran IV: Itinéraires missionaries: échanges et identities. Cahier Studia Iranica 44. 2011b.
- Kenneth J. Thomas and Vahman, Fereydu. , "Bible. vii. Persian Translations of the Bible", in Encyclopedia Iranica, Vol. IV, fasc. 2, pp. 209-213, Costa Mesa, California: Mazda, 1989, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-vii>.
- Lerner, Judit. "Christianity ii. In Pre-Islamic Persia: Material Remains". in Encyclopedia Iranica. vol. V. fasc. 5. Costa Mesa, California: Mazda, 1991. pp. 328-30; available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/christianity-ii>.
- MacKenzie, D. N. "Kerdir's inscription: synoptic text in transliteration, transcription and commentary". in G. Hermann, The Sasanian rock reliefs at Naqsh-e Rostam, Naqsh-e Rostam 6. Iranisch Denkmaler. Reihe II: Iranische Felsrelief, Berlin. 1989. pp.35-72. [= Iranica Diversa. Vol. I. Roma. 1999: 217-274.].
- Minorsky, V. "Some Early Documents in Persian (I)". Journal of Royal Asiatic Society. 1942. pp. 181- 194.
- Paul, L. "Early Judeo-Persian in Historical Perspective: The Case of the Prepositions bē, o, pa(d), and the Suffix rā". in Persian Beginnings. ed. L. Paul, Wiesbaden. 2003. pp. 177-94.
- Paul, L. A Grammar of Early Judeo-Persian. Dr. Ludwig Reichert Verlag. Wiesbaden. 2013.
- Payne, Richard. "The Rise of Christianity in Iran". The Oriental Institute News & Notes, oi.uchicago.edu. 223. 2014. pp. 2-7. available online at: https://www.academia.edu/8629536/The_Rise_of_Christianity_in_Iran.

- Russell, James. "Christianity i. In Pre-Islamic Persia: Literary Sources". in Encyclopedia Iranica, vol. V. fasc. 5. Costa Mesa, California: Mazda, 1991. pp. 327-28, available online at: <https://www.iranicaonline.org/articles/christianity-i>
- Saleman, C. Judaica- Persicanach St. Petersburg Handschriften I, Chudäidät, Ein Judisch- bucharisches Gedicht. St. Petersburg. (Memoires de la Academia Imperial des Sciences de St. Petersburg VII Series, Tome XLII, 14). 1897.
- Schmitt, Rudiger. "Cyrus i. The name", in Encyclopedia Iranica, Vol. VI, Fasc. 5, Costa Mesa, California: Mazda, 1993, pp. 515-516, available on line at: <http://www.iranicaonline.org/articles/cyrus-i-name>.
- Shaked, Shaul. "Jews and Christian Seals of the Sasanian Period". In: M. Rosen-Ayalon (ed.), Studies in memory of Goston Wiet, Jerusalem. (1977). pp. 1-31.
- Shaked, Shaul. "Bible. iv. Middle Persian Translations of the Bible", in Encyclopedia Iranica, , Vol. IV, fasc. 2, Costa Mesa, California: Mazda, 1989, pp. 206-207, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-iv>.
- Shaked, Shaul. "Classification of Linguistic features in Early Judeo- Persian Texts". Exegetisti Monumenta, Festschrift in Honor of Nicholas Sims- Williams, edited by Werner Sundermann, Almut Hinze and Francois de Blois, Iranica 17. Wiesbaden. 2009. pp. 449- 463.
- Sims-Williams, Nicholas. "Christianity: iv. Christian Literature in Middle Iranian Languages", in Encyclopedia Iranica, vol. V, fasc. 5, Costa Mesa, California: Mazda, 1991, pp. 334-35, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/christianity-iv>.
- Sims-Williams, Nicholas. "Bible. v. Sogdian Translations of the Bible", in Encyclopedia Iranica, Vol. IV, fasc. 2, p. 207, Costa Mesa, California: Mazda, 1989, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-v>.
- Tavernier, J. Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.): Lexicon of Old Iranian Proper Names and Loanwords, Attested In Non-Iranian Texts. Leuven. 2007.
- Thomas, J. Kenneth. "Bible. iii. Chronology of Translations of the Bible" in Encyclopedia Iranica, Vol. IV, fasc. 2, Costa Mesa, California: Mazda, 1989 pp. 203-206, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/bible-iii>.
- West, E. W. "Sasanian Inscriptions explained by the Pahlavi of the Pārsīs". Journal of

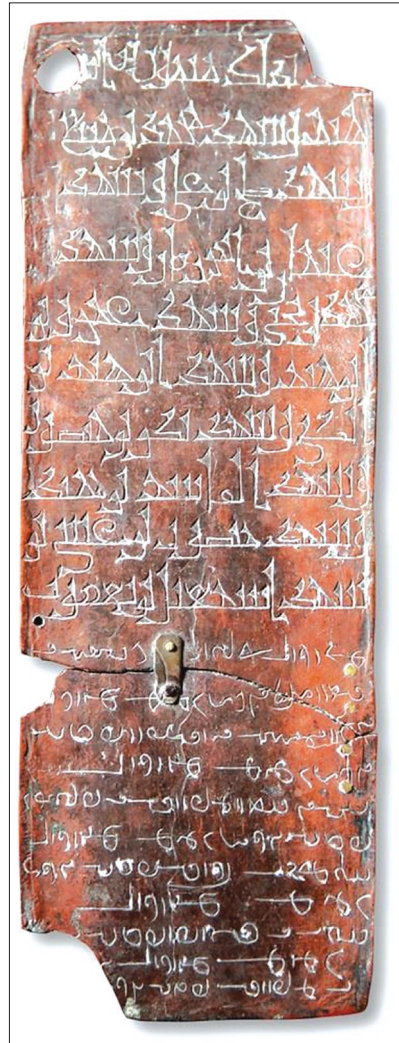
Royal Asiatic Society IV. 1870. pp. 357- 405.

Williams, A. V. "Zoroastrians and Christians in Sasanian Iran". Bulletin of The John Rylands University Library of Manchester 78/3. (1996). pp. 37- 53.

Winckworth, C. P. T. "Note on the Pahlavi Signatures to the Quilon Copper Plates". Kerala Society Papers. Series 6. 1930. pp. 320- 323.



تصویر ۲: ادامهٔ متن پهلوی ساسانی و در پایین متن فارسیهودی



تصویر ۱: متن کتیبهٔ کوفی در بالا و کتیبهٔ پهلوی در پایین (با سپاس بسیار از دکتر وثوقی برای در اختیار نهادن عکس کتیبه‌ها)

تصویر ۳: متن سه روایت



تصویر ۴: متن تامیلی



